

جنگ در قفقاز، ابعاد و پیامدها

سرپیس گرجستان/خبرگزاری آران

خبرگزاری آران / سرپیس گرجستان : گرجستان نیمه شب 8 اوت عملیات نظامی در منطقه مناقشه گرجستان-اوستیا را آغاز کرد. مقامات اوستیای جنوبی اطلاع می دهند که در حمله به تسخینوالی (پایتخت جمهوری برسمیت شناخته نشده اوستیای جنوبی) هواپیماها، تانک ها و پیاده نظام شرکت دارند.

اطلاع داده شد که در بین ساکنین منطقه و سربازان پاسدار صلح نیز قربانیانی دیده می شوند. تفلیس تاکید می کند که در پاسخ به تیراندازی از سوی گروهک هایی در اوستیای جنوبی به روستاهای گرجستان مجبور به امتناع از آتش بس شد.

در زمان اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی اوستیای جنوبی استانی خودمختار در ترکیب گرجستان بود. در سال 1991 "ازویاد گامساخوردیا" اولین رئیس جمهور گرجستان خودمختاری های اوستیای جنوبی را کم کرد. مقامات اوستیا که با این تصمیم موافق نبودند، مقاومت مسلحانه نشان دادند. پس از مناقشه مسلحانه که تا سال 1992 ادامه داشت، گرجستان کنترل بر این منطقه را از دست داد.

اوستیای جنوبی قصد دارد که بعنوان یک جمهوری مستقل برسمیت شناخته شود، اما گرجستان آن را بخشی از خاک خود می داند و به آن خودمختاری گسترده را پیشنهاد می دهد. صلح در منطقه مناقشه توسط نیروهای مختلط پاسدار صلح حفظ می شود که مرکب از سه گردان روسی، گرجی و اوستیای شمالی است. در ترکیب هر یک از گردان ها 500 نفر قرار دارند.

ارگان ویژه حل مناقشه، کمیسیون کنترل مختلط است که روسایی از روسیه، گرجستان، اوستیای شمالی و اوستیای جنوبی دارد. در مدت اخیر تفلیس کار در این ترکیب را مورد تردید قرار داده است، در صورتی که سایر اعضای روند مذاکرات با این موافق نیستند.

حمله ارتش گرجستان به منطقه جدایی طلب اوستیای جنوبی که در سال 1991 از گرجستان اعلام استقلال کرده ، سرآغاز بحران جدید در منطقه قفقاز شده است.

جمعیت اوستیای جنوبی طبق اعلام مرکز آمار دولتی گرجستان در سال 2007 حدود هفتاد هزار نفر بوده است که از این تعداد 45 هزار نفر اوستیایی ، هفده هزار پانصد نفر گرجی و حدود هشت هزار نفر بقیه روس و ارمنی هستند .

در سال 2007 هفتاد درصد از ساکنان اوستیایی جنوبی تابعیت روسی دریافت کرده اند .

ادوارد کوکایتی رییس جمهور خود خوانده این منطقه نیز تابعیت روسی و اوستیایی دارد .

مساحت این منطقه 3,900 کیلومتر مربع و مرکز آن شهر تسخینوالی است.

بیشتر مردم اوستیای جنوبی مسیحی و گروه قابل ملاحظه ای از آنان مسلمان هستند.

گرجستان که طی هفته های اخیر رزمایش های گسترده ای با مشارکت امریکا در نزدیکی خطوط تماس با مناطق جدایی طلب آبخازیا و اوستیای جنوبی انجام داده بود، سرانجام از بامداد جمعه نیروهای خود را به سوی تسخینوالی مرکز اوستیای جنوبی گسیل داشت و توانست به سرعت مرکز این منطقه را به کنترل خود درآورد .

این موضوع به شدت واکنش روسیه را بدنبال داشته است .

بیش از هزار صلحبان روسی از سال 1993 در این منطقه مستقر هستند .

کشته شدن دوازده نفر از صلح بان روسیه توسط نظامیان گرجی این بهانه را به روسها داد که با عنوان کردن لزوم حمایت از اتباع روسی و صلح بانان این کشور ضمن گسیل تانکهای خود به اوستیای جنوبی و عقب راندن ارتش گرجستان ، بسیاری از پایگاههای گرجستان را در سراسر این کشور بمباران کند .

مجموع این تحولات بار دیگر تنش میان روسیه و گرجستان که تابعی از رقابت های روسیه با امریکا و غرب است را نشان می دهد .

به جرات می توان گفت مناسبات روسیه و گرجستان بعد از فروپاشی شوروی اغلب بعلت سیاست غربگرایی تفلیس مطلوب نبوده است. چه در دوره ریاست جمهوری کوتاه زویاد گامسا خوردیا اولین رئیس جمهوری گرجستان(1991-93) و چه در دوره ریاست جمهوری ده

ساله ادوارد شوارد نازده (1993-2003) تنش جوهره غالب در مناسبات دو کشور همسایه گرجستان و روسیه بوده است. اتهام روسیه مبنی بر حمایت گرجستان از شورشیان چینی و پناه دادن به آنها در دره پانکیسی ، اتهام گرجستان به روسیه مبنی بر حمایت از جدایی

طلبان آبخازیا ، اخراج مرزبانان روسی از گرجستان در سال 1998 ، تلاش گرجستان برای اخراج نیروهای حافظ صلح روسیه، اقدام تفلیس در نظامی کردن پیمان گوام و خروج از پیمان امنیت دسته جمعی در سال 1999 تنها بخشی از اختلافات روسیه و گرجستان را تشکیل

می دهد که عمده این تنش ها ریشه در ناتوگرایی گرجستان و بدبینی مسکو به تفلیس دارد.

وقوع انقلاب مخملی در گرجستان در 22 نوامبر سال 2003 نه تنها آغازگر دوره تنش زدایی در مناسبات روسیه و گرجستان نبود بلکه همانگونه که تحولات کنونی نشان می دهد آغاز دوره تشدید تنش در مناسبات دو کشور است .

البته با توجه به اقدام روسیه در عمل به تعهدات 1999 خود در اجلاس سران سازمان امنیت و همکاری اروپا در استانبول مبنی بر تخلیه پایگاههای باتومی ، گوداوتو، وازیانی و سوخومی انتظار می رفت که بهبود محسوسی در مناسبات گرجسان و روسیه دیده شود . اما بطور

مشخص دو عامل باعث ایجاد و تشدید زنجیره تنش در مناسبات روسیه و گرجستان بعد از انقلاب رنگین و نهایتا جنگ در اوستیای جنوبی شده است.

اول اینکه به دنبال اقدام آمریکا و برخی از کشورهای غربی در حمایت از اعلام استقلال یکجانبه کوزوو، مسکو نیز در اقدامی تلافی جویانه حمایت های آشکار و نهان خود را از آبخازیا و اوستیای جنوبی (مناطق جدایی طلب گرجستان) را علنی ساخت.

ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری وقت روسیه در 16 آوریل فرمان مناسبات غیر رسمی با آبخازیا را صادر کرد. مقامات تفلیس این موضوع را به عنوان گامی برای انضمام این منطقه به روسیه ارزیابی و بشدت به آن را اعتراض کردند. چرا که دولت ساکاشویلی برای کاهش انتقاد افکار عمومی بدنبال احیای تمامیت ارضی گرجستان است.

دوم اینکه بر خلاف دوران ادوارد شوارد نادره که وی گاه بر عضویت در ناتو، گاه بر سیاست بیطرفی و گاه حتی بر همگرایی راهبردی با روسیه تاکید می کرد، میخائیل ساکاشویلی رهبر جوان انقلاب رنگی گرجستان قاطعانه بر عضویت در ناتو تاکید دارد و رسماً در این خصوص درخواست داده است. جالب اینکه در هر دو عامل نقش دخالت آمریکا انکار ناپذیر است. چنانچه سفر اخیرا کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه آمریکا به گرجستان نشان داد واشنگتن سیاست تشویق تفلیس به تنش با روسیه را دنبال می کند.

سفر رایس به تفلیس هر چند سفری کوتاه بود اما با اهداف متعدد و دراز مدت صورت گرفت. رایس در تفلیس تاکید کرد برای نشان دادن حمایت قاطع دولت آمریکا از تمامیت ارضی گرجستان به تفلیس سفر کرده و قول کمک به گرجستان برای عضویت در ناتو را به مقامات گرجی داد.

آمریکا بویژه پس از سفر می 2005 جرج بوش به گرجستان و تاکید وی بر عضویت تفلیس در ناتو، سیاست ایجاد بحران در مناسبات روسیه و گرجستان را در دستور کار قرار داده است. به عقیده برخی از محافل گرجی این کشور بعد از انقلاب مخملی سال 2003 به مستعمره جدید آمریکا تبدیل شده است و نمود آن افزایش حضور نظامی آمریکا در گرجستان و خدمت صدها سرباز گرجی به اهداف اشغالگران آمریکایی در عراق و افغانستان است. گرجستان از موقعیت استراتژیکی در قفقاز برخوردار است چه اینکه به عنوان دروازه ورود به قفقاز از سمت اروپا محسوب می شود و بعنوان دالان انتقال انرژی منطقه به غرب اهمیت مضاعفی برای آمریکا پیدا کرده است. اما مهمترین دلیل این اهمیت همسایگی آن با روسیه و داشتن مسایل بغرنج در مناسبات با روسیه که غرب می تواند از آنها به نفع خود بهره برداری کند، است. هدف آمریکا بیرون راندن کامل روسیه از گرجستان است. چنانچه آمریکا حاضر شد برای تخلیه چهار پایگاه نظامی روسیه در گرجستان کمک مالی در اختیار تفلیس قرار دهد. در حال حاضر نیز آمریکا تلاش دارد برای فشار به روسیه، گرجستان را به جولانگاه برخورد با این کشور تبدیل کند.

در این راستا آمریکا با تشویق گرجستان به تنش با روسیه و حتی تشویق تفلیس به حمله به اوستیای جنوبی و آبخازیا تلاش دارد شرایط بحرانی ایجاد کرده و از یک سو بتواند به عنوان درخواست جامعه جهانی، نیروهای غربی را بجای نیروهای حافظ صلح روسیه در گرجستان مستقر سازد و از سوی دیگر حمایت همه کشورهای غربی را برای عضویت گرجستان در ناتو بدست آورد. بی شک چنین روندی برای روسیه قابل قبول نیست. در چنین شرایطی نیز روسیه سیاست حمایت راهبردی از اوستیای جنوبی و آبخازیا را در پیش گرفته است. چه اینکه حداقل در صورت نفوذ چشمگیر روسیه در آبخازیا و اوستیای جنوبی و در شرایط عضویت گرجستان در ناتو و در نتیجه حضور همه جانبه آمریکا در این کشور، این مناطق بعنوان حایل میان روسیه و گرجستان غربگرا خواهند بود. از اینرو بدنبال حمله گرجستان به اوستیای جنوبی، شورای امنیت ملی روسیه در صدور فرمان حمایت از اوستیای جنوبی تردید بخود راه نداد و مسکو نه تنها با سرکوب نظامیان گرجی در اوستیای جنوبی بلکه با بمباران پایگاههای گرجستان در بندر پوتی، تفلیس، مارنئولی و وازیانی عزم خود را برای حضور در اوستیای جنوبی و آبخازیا به رخ غرب کشید و در واقع پاسخ عملی به حمایت غرب از استقلال یکجانبه کوزوو داد.

با توجه به نبود حمایت عملی آمریکا و ناتو از تفلیس بنظر می رسد در این روند تنها بازنده آقای ساکاشویلی است که بر خلاف نظر اکثریت مردم گرجستان روی حمایت غرب حساب ویژه ای باز کرده بود. حال آنکه آمریکا و ناتو اعلام کردند که در این مناقشه دخالت نخواهند کرد و اساساً با توجه به اهمیت ژئوپلتیک منطقه هر گونه دخالت به نفع غرب تمام نخواهد شد.

بدین ترتیب دورنمای تحولات گرجستان همچنان تنش آلود بنظر می رسد و در این روند طبیعتاً مردم گرجستان نفعی نخواهند برد. مردم گرجستان معتقدند سیاست طرد روسیه و تبعیت بی چون چرا از آمریکا به احیای تمامیت ارضی این کشور کمک نخواهد کرد.

نتایج انتخابات ریاست جمهوری گرجستان در پنجم ژانویه 2008 که 40 درصد آفت محبوبیت ساکاشویلی در مقایسه با انتخابات قبلی (سال 2003) را نشان می داد، این درخواست مردم گرجستان را نشان داد که آنها خواهان سیاست مستقل و متعادل کشورشان در قبال روسیه و آمریکا هستند.

پایان پیام.